Dec. 6, 1945

648

سال سوم شماره ۶۴۸

شنبه یازدهم آذر ماه ۱۳۲۴

رهبر

ارگان مرکزی حزب توده ایران

تحت نظر هیئت تحریریه

روزنامه رهبر آزاد شد ولی محل آن هنوز در اشغال سرنیزه‌های فرمانداری نظامی است

حوادث آذربایجان

از نظر رادیو های بیگانه

از رادیو آنکارا (ساعت ۱۳٫۳۰)

تهران — بدیرفتن مسالمت آمیز بیان در آذربایجان در تهران با مسرت تلقی شده است. در تهران از ازدیاد قوای انگلیس در سرحدات ایران صحبت میشود.

تهران — مقامات وابسته بسفارت امریکا علاقمندی خودرا بحوادث شمال ایران مخفی نمیکنند.

لندن — خبرگزار سیاسی آژانس «بریتانوا» مینویسد: در اثر قطع مخابرات تلفنی باشمال ایران ودر نتیجه بدست نیامدن اخبار صحیح از این مناطق بررسی دقیق یادداشت دولت شوروی از طرف دولت انگلیس بتاخیر افتاده است. وضع بین‌المللی دوائر حوادث ایران بیش از آنکه باریک باشد، مبهم است.

بطوریکه یک مقام صلاحیتدار به مخبر «آژانس بریتانوا» گفته است که مسئله مهم عبارت از اتخاذ تدابیر فوری است. یک خبر دیگر حاکی از اینست که دولت امریکا معلوم نیست از تصمیم خود دائر به بیرون بردن قوای خود پیش از ژانویه منصرف شده باشد.

بقیه در صفحه ۲

بقلم آقای عیلی

مدیر روزنامه سروش

بر «راجه نشین» فارس چه میگذرد؟

فارس و هندوستان - راجه ها و مهاراجه‌ها - تسلیح عشایر برای بعد از تخلیه - یک محاسبه غلط

رهبر — این روز ها رادیو ها و مطبوعات بیگانه درپیرامون حوادثی که در شمال ایران روی داده دلسوزی های فراوان می‌نمایند و برای خللی که بزعم آنها به استقلال ایران وارد شده نوحه سرائیهای مفصلی سر میدهند ولی این دایه های مهربانتر از مادر هیچگاه به اوضاع جنوب ایران که در پرتو توجهات مخصوص ازمامداران ما به جهنم مبدل شده است کوچکترین اشاره‌ای نمیکنند.

مقاله زیر برای ایرانیانی که از حقیقت اوضاع فارس بی خبرند علت این سکوت و ذلت هم میهنان ما را شرح میدهد

فارس و هندوستان

نامه هندوستان که در روزنامه رهبر چاپ شده بود با تشریح ذلت و فلاکت هندیهای اسیر مرا نیز مانند همه خوانندگان رهبر متاثر نمودولی تاثر من رنگ مخصوصی داشت و گمان میکنم هر فارسی علاقمند به آزادی فارس و استقلال ایران آنچه را که من در حین خواندن آن نامه حس کردم احساس کرده باشد.

این نامه گرچه از اسارت هند، نکبت و ادبار هندیها و افسونها و نابکاریهای استعمار طلبان سخن میگفت آنچه را که بر فارس محبوب ما می گذرد و خواهد گذشت در نظر مجسم نمود.

امروز دروازهٔ هندوستان درفلاکت وسیه‌روزی باخودهندوستان سرهنری ورقابت دارد. «لهرو» حق داشته به زبدابانان هندوستان بگوید: «ما استقلالی شبیه استقلال ایران نمی خواهیم» زیرا ازاستقلال اعطائی مستعمره داران کهنه کار یا دیکتاتوری پهلوی میزاید و یا منقسم شدن کشوری به چند راجه نشین نتیجه می‌شود.

بیائید ازهم‌ایکان عدالت پرورمان! که خود را حامی و نگهبان استقلال کشور ما معرفی میکنند. بپرسیم آیا فارس: این استان بزرگ که عضوی از ایران شمرده می شود باغلان راجه نشین هندوستان چه تفاوتی دارد؟ آیا مداخلات شما در شئون زندگی مردم فارس ازدخالتتان دراوضاع هند واحوال زندانیان هندوستان بیشتر نمی باشد؟ آیا با همان شدت و دقتی که عقاید فارسیها را تفتیش میکنید «انگلیسیون» های مهیب و جور و جسور شما در هندوستان وظیفه خودرا انجام میدهند؟ آیا «آزادیخواهی» که اصول امپراطوری شما در همه جای جهان آن را جرمی مسلم شناخته است مجازاتش در فارس ما، در یک ایالت ایران مستقل! شدیدتر و سنگین‌تر میباشد یا در موروثه آباء اجدادیتان کشور مفلوک هندوستان؟

آیا کسی میتواند نوکر وباهمکار قوام‌السلطنه خدمتگذار خانه‌زاد شما باشد و درفارس نفسی براحتی بکشد؟

آیا بنیه کوشش وجدیت مامورین رسمی و چهره خواران غیر رسمی شما (که باشکال مختلف خان وآخوند و روزنامه نویس درآمده‌اند) برای بسط نفوذ قوام‌السلطنه که همه اورا صمیمی ترین عامل استعماری درجنوب ایران میدانند جز اجراء اصول استعماری در یک‌قسمت ازمملکت ما وکشیدادن مرز های هندوستان تا او اسط خاک ایران تعبیردیگری دارد؟

اگر فارس مستعمرهٔ شماهست و جزئی ازخاک ایران است برای‌چه باید دست پرورده‌گان «انتیلیجنت سرویس» شما برآن حکومت کنند؟

من میدانم که شما بعوض پاسخ دادن باین پرسشها ایادی خیانتکار و بیوطنانرا وادار میکنید که بیش از پیش رفقای جوان مرا در شیراز تحت فشار قرار دهند ولی من لازم میدانم بهرقیمتی که باشد مختصری ازآنچه که برفارس میگذرد بگوش هم‌میهنان‌خود

بقیه درصفحه ۲

و. نامور

مدیر روزنامه شهباز

پل پیروزی

آقای دکتر شفق از پل پیروزی سخن میگوید:

ستون‌های پل پیروزی را پیدا کنیم.

یک تذکر بموقع

در آغاز جلسه روز یکشنبه مجلس شورای ملی آقای امینی تذکر مفیدی دادند. نکته ای که ایشان متذکر شدند شاید تا کنون با این وضوح وصراحت در فضای مجلس بگوش نمایندگان نرسیده باشد. بیان منطقی ایشان این بود:

«لطفهائی که در مجلس میشود باید یک منطق سیاسی باشد نه یک منطق احساساتی. با وجود این کمتر وقتی بیانات نمایندگان در مجلس تا این حد صرفا جنبه احساساتی داشته و عاری از اصول منطق و سیاست بوده: بهمین علت تناقضی که درسراپای بیانات آقایان دکتر عبده‌مود دکتر اعتبار دراین جلسه وجود داشت در اطلاعهای قبل از دستور کمتر دیده شده است.

با آقای دکتر شفق

من میخواهم مذاکرات مجلس روز یکشنبه را تحلیل کرده جنبه های ضد و نقیض آنرا روشن کنم ولی قبل ازبحث در اطراف بیانات آقایان مرا بویژه امروز روی سخن را بطرف آقای دکتر رضا زاده شفق دوست ارجمند و دیرینه خودم که یک پارچه عاطفه واحساسات هستند معطوف میدارم و ایشان باید این توجهی را که بنامه ایشان میشود دلیل کمال علاقه من بخودشان واحترامی که همیشه درباره ایشان قائل بوده ام بدانند و مطمئن باشند اگر در اینجا ذکری ازایشان میرود صرفا برای متوجه ساختن ایشان به بعضی حقایق میباشد که شاید اطرافیان فعلی ایشان زیادمایل باشند توجه آقای دکتر به آنها معطوف شود.

بقیه درصفحه ۴

اعلامیه آقای بیات

در آذربایجان

آقای بیات که اخیراً ازطرف دولت بسمت استانداری آذربایجان به تبریز وارد شده بود اعلامیه تحبیب آمیزی خطاب باهالی آذربایجان صادر کرده ودر آن سعی به تماسهای اهالی آن استان نظر مساعد خودرا ابراز وآمادگی خویش را برای مذاکره ومشورت بانمایندگان احزاب وطبقات اهالی اعلام داشته ومذاکره شده است که با اختیارات مشارالیه وفق دهد حاضر میباشد

دراین اعلامیه صریحاً اذعان شده است که اوضاع اجتماعی، بهداشتی و تامینی وفرهنگی واداری ایران مخصوصاً آذربایجان مختل و محتاج یک رشته اطلاعات فوری است

با پرونده سازی نمی توان مشکلات را حل کرد

درایتکه دستگاه حیرت‌انگیز پلیسی عصر رضا خان بدون هیچگونه تغییر وتبدیلی محکم وبرجا برای ملت محروم ایران بیادگار مانده جای هیچ تردیدی نیست.

درعصر رضاخان کلیه مامورین تامینات دستور داشتند در هرجا کسی نام روس یا شوروی یاکارگر را ازروی بی‌طرفی برزبان براند ویا ازروی انتقاد ازسیاست انگلیس ویا اوضاع هندوستان صحبت کند ویا در بهشت بودن کشور شاهنشاهی اندکی تردید بخود راه‌دهد وحتی اگر معلمی درسر کلاس اشعار گذشتگان را درباره متفکری حکام و سلاطین جابر بجوانان بیاموزد حتماً باید بشهربانی جلب شود ومعلوم بود بچه سرنوشتی گرفتار میشد این مامورین نه‌تنها دراتجام دادن‌ماموریت‌خود ازنظر انجام‌وظیفه اجتهاد به خرج میدادند بلکه ازلحاظ‌بر کردن جیب خود و روسای بالاتر نیز دنبال لقمه‌های چربی میگشتند و حتی بسیاری از ملاکین را بجرم بالشویک بودن و یا ارتباط با خارجی ها: برای گرفتن حق حساب مورد تعقیب قرار می دادند.

عملیات سرهنگ نوائی درمشهد یک‌نمونه کوچکی‌است ازاقدامات پلیسی عصر رضاخان که امثال قائم‌مقامها را بگناه رابطه با انگلیسها اعدام کردند وبرای پر کردن جیب‌خود مردم‌را بتهمت می‌بستند. زخیم و دیکتاتور ایران کلیه معاندین خیالی خودش‌را از راه پرونده سازی‌های خنده آور به مرگ محکوم میکرد.

تنها دستگاه پلیس‌درین خیانت‌ها مهارت بکار می‌بستند بلکه قسمت اعظم دستگاه قضائی نه نظیر صدر الاشرافها در راس آن قرار میگرفتند نیز درپرونده سازیها بدستور مختاریها متنهای فعالیت را نشان میدادند و پیشرمانه برای مردم بیگناه ازطریق انواع زجرها وشکنجه های وحشیانه قرون اولیه پرونده میساختند

جراید بعداز شهریور تاحدی پرده از روی پرونده سازی های شمال مختاری برداشتند وعده ای ازستمدیدگان دوره رضا خان از دستگاه پلیسی بشکایت برخاستند اگرچه معاندین مختاری وهمدستان او باز هم تحت تاثیر عواطف سایر شمال رضاخان بطور اعم انجام گرفت ولی محکومیت او وهمدستانش هرچند دوبرابر جنایات آنها مختصر وناچیز بود باز نمونه و دلیل بارزی است از پرونده سازیها وجنایت کاریهای دستگاه حاکمه عهد دیکتاتوری. مردم‌ایران‌انتظار داشتند کلیه‌عناصری که‌درهمکاری بادیکتاتور گذشته شریک بوده‌اند ازنمایندگی مجلس گرفته تا وزیر و سر لشکر در یک محکمه ملی محاکمه ومجازات شوند ولی چون‌زمام امور دردست همان هیئت حاکمه بود چنین انتظاری مورد نداشت واگر مختاری هم استثنائاً با چند نفر ازهمکارانش محاکمه شدند ازاینرو که آنها درآزار دادن بعضی ازهمین هیئت حاکمه بدسگرو ارباب‌فراری اقدام کرده‌بودند

اعدام پزشک احمدی ومحکومیت مختاری از نظر تصفیه حقیقی دستگاه حاکمه نبود بلکه برای تشفی حس انتقام بعضی از همین عناصر هیئت حاکمه بعمل آمد. وگرنه پس از یکچنین اقدامی باید اصول پرونده‌سازیهای آن دوره و عملیات پلیسی بکلی ریشه‌کن میشد در صورتیکه می‌بینیم درهمان موقع شهربانی در نواحی شمالی برای آزادیخواهان پرونده میساخت و گزارشهای سرتاپا دروغ بطور محرمانه بمرکز میفرستاد اگر یکروزی تفنگچیها و راپرتهای محرمانه پلیس و ژاندارمری و ارتش را در یک‌محکمه ملی بیطرف قضات با کفاءتی مورد بررسی و تحقیق قرار دهند معلوم خواهد شد که تا چه اندازه مامورین این دستگاه عادت بدروغ پردازی ودسیسه بازی بنفع اربابان خود کرده‌اند. مگر آقای سرلشکر ارفع همین‌اکنون با پرونده سازیهای خیلی بی منطق گروهی از افسران‌راتیواحی‌جنوب تبعید نکرده‌است و بطوریکه خبر میدهند نه‌بآنها غذا و خرجی میدهند ونه میگذارند کسی حتی نزدیک‌ترین اعضای فامیلشان با آنها ملاقات کند؟

ما ازآقای ارفع می‌پرسیم دریک‌مملکتی که قانون احزاب هنوزازمجلس نگذشته و حدودی برای تبلیغات احزاب تعیین نشده و از سوی دیگر هیچ قانونی وجود ندارد که باید ارتش در سیاست مداخله کند با کدام مجوز ایشان از بالای سر وزارت جنگ با صدور اعلامیه‌ها یک حزب را متهم به تبلیغات در ارتش میکنند و مدارک خود را راپرتها وجاسوسیهای همان پلیسهای دروغپرداز و بیسواد عصر دیکتاتوری قرار میدهند و برای مردم‌به پرونده سازی برای ایجاد یکنوع دیکتاتوری میتاریستی میپردازند؟

اگر آقای ارفع تحت تاثیر ارباب فراری خود یعنی همان کسیکه مدت ۲۰ سال قانون اساسی را زیر چکمه نظامیان خود لگد کوب کرد نیستند باصل دوم قانون اساسی مراجعه کنند که میگوید: «مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران‌است که در امور معاشی و سیاسی وطن

بقیه درصفحه ۴

یاد داشت

دولت شوروی

بشورای نظارت متفقین

انگلیس‌ها به‌تخلف از تصمیمات انجمن برلن متهمند

برلن - خبرگزاری شوروی گزارش میدهد که یکی‌از خبرنگاران روزنامه ایزوستیا از برلن چنین می‌نگارد:

چند روز قبل اطلاع حاصل شده که دولت اتحاد جماهیر شوروی یاد داشتی برای شورای نظارت‌متفقین در آلمان فرستاده و خاطر نشان کرده است که در منطقه متصرفی انگلیس درآلمان تشکیلات وسیعی از نیروهای مسلح آلمانی و زمامداران لشکری و دریائی وهوایی آلمان وجودداوند واین برخلاف اعلامیه راجع به شکست آلمان وتصمیمات انجمن برلن میباشد. باید دانست دراعلامیه راجع‌بشکست آلمان که در پنجم ژوئن ۱۹۴۵

بقیه درصفحه ۲

آخرین اخبار رادیو

رادیو لندن (ساعت ۳۰ ر ۱۹)

در هند هلند

در باند ولک زد وخورد بشدت میان نیروهای کوسرخا ی هندی و ملیون اندونزی بشدت ادامه دارد.

فردا در سنگاپور کنفرانس مهمی تشکیل خواهدشد که در هندوچین فرانسه و هند هلند چه سیاستی تعقیب شود. در این کنفرانس «آمیرال منت باتن» و عده از مامورین نظامی عالیرتبه انگلیسی و «دکتر وان موک» نماینده هلند و «ژنرال لکلرک» نماینده فرانسه شرکت خواهند کرد.

امریکا وانگلیس

احتمال میرود فردا مذاکرات مالی امریکا وانگلیس خاتمه یابد. این مذاکرات مدت سه‌ماه وانیم است که ادامه دارد.

امریکا حاضر شده است ۴۴۰۰ ملیون دولار اعتبار بانگلستان بدهد و تنزیل را از قرار ۲ درصدحساب کند در حین اختتام ناگهانی قانون وام و اجاره از طرف رئیس جمهور ترومن مقداری مال‌التجاره‌در بنادر امریکا بود که میبایستی بانگلستان حمل شود. اکنون آن مال‌التجاره‌هم بابت این اعتبار محسوب خواهندشد.

قرارداد باید در کنگره امریکا تصویب شود و قطعا مخالفتهائی باآن بعمل خواهد آمد.

اگر این قرار داد انگلستان را برعایت مقررات برتن وودملزم نماید درمجلس انگلستان نیز بمخالفت شدیدی برخواهد خورد.

تذکر

مقاله مندرج در شماره دیروز رهبر بعنوان «فرقه دموکرات زنجان را چگونه اداره میکنند» نقل ازروزنامه ایران مورخ ۱۳ر۹ر۲۴ میباشد

اخبار مخصوص ما

شایع است که بر اثر قدغن کردن پیاله فروشی پیاله فروشها باشهرداری وارد معامله! شده‌اند ومذاکره بوده است که باپادادن حق‌حساب باردیگر پیاله‌فروشی آزاد شود ولی در مبلغ حق‌حساب اختلاف‌بوده شهرداری صدهزار تومان میخواسته وپیاله فروشان تا ۶۰ هزارتومان حاضرشده بوده اند ولی در همین گیر ودار ناگهان شهردار دیکتاتور سقوط‌میکند و به بودجه اراده‌ملی مبلغ جزئی از میلیونها مبالغی که ازاین راه ها بدست میآورد لطمه میآید

شایع است که مدیران سینماها درمرقعی که حکومت نظامی ازساعت ده عبور ومرورراممنوع داشته‌بود مبلغ صدهزارتومان پرداخته‌اند تاساعت ۱۱ مبدل‌شود اگر این‌خبر صحت‌داشته باشد مردم‌تهران باید ازآنها سپاسگزار باشند!

بر «راجه نشین» ...

بقیه از صفحه اول

برسانم تا بدانند اربابان هندوستان استقلال و آزادی میهن ما را که در رادیو های خود برای محفوظ ماندن آن اینهمه لوحه‌سرائی میکنند چگونه تحقیر و تحقیر می‌نمایند و مصیبت‌دروازه هندوستان بودن و بوی نفت‌دادن‌فارس را چه وضعی مبتلا نموده‌است.

راجه‌ها و مهاراجه‌ها

من هندوستان‌را ندیده‌ام ولی از آنچه که شنیده‌ام و خوانده‌ام می‌توانم بگویم بین‌اوضاع امروزی فارس با اوضاع راجه نشین‌های هندوستان‌تشابه نزدیک به تطابقی وجود دارد:

دو سه میلیون دهقان و شبان فارس باید نیروی بازو و عرق‌پیشانی خودرا درراه فراهم کردن وسائل عیش وتنعم چند راجه و مهاراجه که از طرف «صاحب‌ها» حمایت میشود، بر ایکان وبی چون وچرا صرف کنند

امروز رعیت فارسی مقامش از سگ هم پست‌تراست زیرا سگ گاهگاه از ارباب خود نوازشی میبیند ولی رعیت‌فارسی نصیبش فقط شلاق‌است و نه تفنگ.

اگر رابیر جهان بلب‌رسیده‌ای فریاد اعتراض برآورد مثل آنست که بادست خود گور خودرا حفر کرده باشد زیرا سیاست استعماری با تمام قوا از راجه‌ها پشتیبانی میکنند و مخالفت ستمدیدگان با چماران جنوب یعنی مقابله با نیروی «شوم سیاست استعماری».

تسلیح عشائر

در جنوب از دوسال پیش باین طرف سیاست تسلیح عشائر بادقت‌هرچه تمامتر اجراء بشود. چون‌برای‌انجام این برنامه بودجه فوق‌العاده‌ای لازم است علاقمندان تسلیح عشائر حاتم‌بخشی نموده و چیره قند وشکر هرچند هزار یاچندین هزار دهقان و شبان‌را بجنجا تحویل یکی ازسران عشایر میدهند. این قند و شکر ما از انبار اداره انحصاری استقیما بازار حل شده بقیمت های گزاف بفروش میرسد و پول هنگفتی که ازاین راه بدست‌میآید صرف خرید تفنگهای برنو که‌ازتهران میرسد وده نیروهای‌انگلیسی که‌فرشتگان دریائی بسواحل خلیج حمل میکنند می شود وبا این تدبیر روز بروز بر تعداد تیربندهای مسلح افزوده میگردد.

حکومت مرکزی ما، ستاد ارتش ما که نگهبان نظم وامنیت فقط شمال کشوراست همه وظیفه دارند که مسلح شدن افراد عشایر را امری قانونی تلقین نموده واین خطرعظیم‌را ازمصالح عالیه‌المملکت بشمارند.

هیچکس نمیپرسد اگر قانون اساسی بر ایران حکمروائی کند پس فرمانروائی برنو وده‌تیر بر سر وحشت مردم فارس چه معنائی دارد؟ آیا در قوانین مملکتی‌ما پیش‌بینی شده‌است که ایران باید دوآرتش داشته باشد یکی ارتش تهران ودیگری ارتش عشایر؟ آیا هیچ‌یك از دولت‌های ما جرات کرده اند ازهمسایگان جنوبی ما که تسلطشان برجنوب ازفرمانروائیشان برهندوستان مسلم‌تر است بپرسند هدف غائی سران عشایر که ازحمایت و ارشاد شما بهره مندند چیست

برای بعد از تخلیه

دولتمند برما مسلم است، یکی آنکه همسایه‌جنوبی بادیگرهمسایگانمان متحد میباشد وسرجدال و ستیزه ای با آنان ندارد و امیتواند داشته باشد و بفرض آنکه چون خیال خطر نائی را درسر بپروراند آن‌اندازه‌ها از نیروی حریف بی‌خبر نیست که تصور کند ازچند هزار جریك‌مسلح کاری برمیآید‌ودیگر آنکه طبقه حاکمه ما همگی دست نشانده همسایه جنوبی‌ما میباشند و نمی توان تصور نمود که هدف تسلیح عشایر عزازل کردن این هیئت حاکمه است

چه آنها که درراس افراد مسلح عشایر قراردارند چه آنها که بر کرسی وکالت وزوارت‌تکیه‌داده‌اند همگی از یك‌منبع کسب‌فیض میکنند وبالطبیعه‌دارای منافع وآرزوهای‌مشترك‌میباشند‌وفرض مخالفت کردن آنهابا یکدیگرفرضی بعید است.

در اینجا یك نکته مسلم دیگر نیز بنظرمیرسد وآن اینست که‌دستگاه حاکمه ما به‌تنهائی قادر نیست ازتوسعه جنبش های آزادیخواهی جلوگیری کند.

در ایران توده‌ها از خواب ذلت و اسارت چند صد ساله بیدار گشته و برای‌اداره کردن‌زنجیرهاوویران کردن زندانهابه‌تکاپوافتاده‌اند.سیاست‌استعماری که‌در فن‌زندانبانی ورزیده نشده‌است احساس کرده که‌بازماندگان‌دیکتاتوری نمی‌توانند نقش اورا بازی‌کنندوباید چاره دیگری اندیشید؟

آشنایان رموزسیاست استعماری معتقدند که «تسلیح عشایر» همان «چاره دیگر» میباشد.

هدف تسلیح وتقویت عشایرهمان هدفی است که در دورهٔ پهلوی‌وجب تضعیف عشایر و تبعید و زجر ومرگ خوانین و ایلخانی ها شد. دیروز پهلوی به تنهائی قادر بود ماموریت خود یعنی برده نگاهداشتن ملت‌ایران را انجام دهد بهمین جهت احتیاجی بوجود عشایر نبود و حتی قوت عشایر مانعی در راه انجام این منظور شمرده میشد و بایستی این مانع از بین برود ولی امروز قضیه بر عکس شده است عشایر باید تقویت شوند تا وظیفه هیئت حاکمه را تسهیل کنند. این دو قوه مخالف نه وجود هر یکی باید مخالف موجودیت دیگری باشد‌ودرنتیجه اعجاز و افسونکاری سیاست استعماری تشکیل قوه واحدی را داده اند نه بتوانندو در مقابل ضربات توده‌های دینه جوی آزادیخواه مقاومت کنند امروز بزرگترین مایه‌دلگرمی‌سیاست استعماری در ایران دردست‌داشتن همین «عشایر مسلح» است این سیاست مهیب میل از «عشایر مسلح» در داخله ایران همان انتظاری را دارد‌که از دارا بودن «بمب‌اتمی» در میدان سیاست جهانی متوقع است!

اینکه همسایه جنوبی ما گاهگاه دم از تخلیه ایران میزند بدین علت‌است نه مسلم میداند بازماندن سربازان‌اوایران ازقوایش تخلیه نمی‌شود. دولت‌دوست وش است که‌پس ازخروج سربازانش طبقه حاکمه ایران و مردم براین طبقه‌عشائر مسلح وظیفه‌سربازان مدعی‌رادر ایران انجام‌خواهندداد.

یك محاسبه غلط

ولی در این‌محاسبه خطای‌مضحکی رخ داده است. پایه این محاسبه‌برروی جهل و غفلت، همیشگی‌افراد عشائر بنا گذاشته شده است.

واضح تر بگوئیم شرط‌تحقق پیش بینی سیاست استعماری درباره عشائر این است نه‌در آینده هم‌درجهالت و بی اطلاعی کنونیشان باقی بمانند. ولی با تحولات شگرفی که در افکار و عقائدروی داده و«روشن بینی» مخصوصی که‌جنگ جهانگیر‌بهمه مردم‌ایران و حتی بوادیه‌نشین‌طبقات اجتماعی بخشیده گمان نمیرود سیاست استعماری با تمام وسائلی که در دست دارد، با گروه مبلغ و روزنامه نویس و آخوند نما های سالوسی که برای تحمیق توده ها بکارواداشته است‌موفق شود افراد جاهل ولی تیز هوش‌عشایر را در بی خبری کنونی باقی نگهدارد و یك روز آنها رابرعلیه‌هم‌زنجیرهای خودبشورانند.

خوانه و ناخوانه روزی مردم ایل نشین بیدار میشوند. چه‌سیاست‌استعماری بخواهد و چه نخواهد بالاخره روزی شبانان و دهقانان‌فارس‌از سعادت‌بخشی «آزادی وعدالت» با خبر میگردند.

درچنین‌روزی‌آن‌هابزیر‌بدبال‌آذربایجانی وخراسانی خود براه افتادند و لوله‌های تفنگ‌را که بطرف سینه برادران خود نشانه گرفته‌اند بطرف همانهائی که فرمان شلیك میدهند بر میگردانند.

چنین روزی چندان دور نیست. ازهمین حالا هرفریاد انتقامی که‌ازدور ترین نقاط ایران‌ه علیه نظام فاسد و گنده‌پوسیده اجتماع کنونی ما بلند گردد در چین وشکن دور افتاده‌ترین کوهساران فارس‌منعکس گشته وقلوب چادر نشینان را از وجد وهیجان‌بلرزه در میآورد و دور نیست آن‌روزی که زحمتکشان‌جنوب با صدای رسای خود باین فریاد پاسخ دهند.

ما که‌همانندیم «بیداری» آینده افراد قبایل وعشایر دسیسه هاو نیرنگ های سیاست استعماری را مختل خواهد نمود بلکه هنوز هم امیدواریم بعضی از روساء عشایر که پدر نشده ودرپدر شده‌این سیاست‌شوم هستندمنافع تنگین کنونی‌را که‌درنتیجه فرمانبری‌ازسیاست استعماری نصیبشان‌می شود بهیچ شمرده واز انجام اوامری که‌آزادی واستقلال ایران‌رابخطر بیستی دچارمیکندسرباز زده‌وثابت خواهند کرد که فارس‌هنوز افتخار آنرا دارد که‌امثال سردارعشایر ها وطایران انگلستانی رادر دامن‌خود بپروراند.

حوادث آذربایجان

از نظر رادیو های بیگانه

رادیو لندن (ساعت ۱۹٫۳۰)

«جان کیس» مخبر مخصوص رویتر از تهران خبر میدهد که‌سفارت کبرای شوروی پاسخ یادداشت دیگری بدولت ایران فرستاده و بازدرآن جا ذکر کرده است که دولت شوروی حاضر نیست اجازه بدهد که قوای دولتی بآذربایجان بروند.

این یادداشت در پاسخ یادداشتی بوده است که مجددا دولت ایران برای دولت شوروی فرستاده‌بود. دیروز در هیئت‌وزراء صحبت ازیادداشتی بود که بموجب آن دولت شوروی اظهار داشته بود که حاضر است در صورتیکه مسئله آذربایجان فقط یك مسئله بین دو دولت تلقی شود بسیاری از تقاضاهای ایران را بپذیرد.

چنانکه دیده میشود‌موقعیت دولت متزلزل گردیده است. رویتر‌میگوید که آقای حکیمی نخست‌وزیر ایران صحبت از استعفا بمیان آورده است

در آذربایجان انتخابات‌انجمن ملی بپایان رسیده و در این انتخابات فقط حزب دمکرات اکثریت را برده است. با اینکه حکومت جدیدی در آذربایجان تشکیل نگردیده افرادی که‌در ارتش‌خدمت سربازی‌انجام‌داده‌اند بزیر سلاح فرا خوانده شده‌اند. احتمال میرود که حکومت جدیدی بزودی تشکیل شود و بمامورین داخلی امر کنند که مطیع دولت جدید بشوند وشاید کاری بکنند که تا دوم مارس که قوای‌شوروی ایران را تخلیه خواهند کرد استقلال داخلی آذربایجان عملی‌شود.

در مقامات ارشد ایرانی تائید میشود که دولت از سه دولت امریکا انگلیس و شوروی امضا کننده‌گان اعلامیه تهران دعوت خواهد کرد که رسما درمحل تحقیق نمایند.

یادداشت دولت شوروی ...

بقیه از صفحه اول

امضا کرده‌اند پیش بینی شده که کلیه نیروهای مسلح آلمان بانیروهائی که تحت نظارت و صرف آلمانیها بوده درهر نقطه که باشند اعم از نیروهای زمینی یاهوائی و نیرو های دفاع ضد هوائی ونیروی دریائی وهمچنین دسته های حمله ونیروهای شهربانی آلمان وکلیه سازمانهای کمکی مسلح کاملا خلع‌سلاح خواهندشد.

درتصمیم متخذه درانجمن برلن نیز چنین اشعار شده:

کلیه نیروهای زمینی و دریائی و هوائی ودسته های حمله و نیرو های شهربانی باتمام سازمانهای مربوط به ستاد ارتش وکلیه تاسیسات اعم ازستاد ارتش وهیئت افسران ونیروهای‌احتیاط و آموزشگاه های لشکری و سازمان های جنگجویان قدیمی و بالاخره کلیه تشکیلات لشکری یاشبه لشکری باتمام باشگاهها و هر کنتهائی که موجب حفظ اصول باستانی لشکری در آلمان می باشند بکلی و بالبه منحل و نابود گردید تا بدینوسیله ازتجدید‌تشکیلات میلیتاریسم ونازیسم آلمان بطور دائم جلو گیری گردد

بموجب این تصمیمات درسرزمین آلمان بهیچوجه نباید از این قبیل سازمانها باقی بماند. اما ظاهرا این تصمیمات در کلیه مناطق اشغال شده آلمان بموقع اجرا گذاشته نشده اند. چنانکه امروز درمنطقه‌متصرفی‌انگلیس دسته مسلح آلمانی تحت فرماندهی موللر وجود دارد که درماه اکتبر به عنوان دسته مسلح حمال تعیین گردیده است.

این دسته دارای یك ستاد جنگی و مراکزی مشتمل بر شعبه های زیر میباشد:

شعبه عملیات مرکز ال ستاد — کمیساریا — قطارموتوریزه‌شعبه‌پیداری دسته ارتش شمال مرکب از تشکیلات زمینی و هوائی میباشد.

سپاه های موسوم به سنگفرسن و ویلتسف هر کدام مرکب از پانصد هزار سرباز هستند.

بعلاوه در منطقه اشغالی‌انگلیس تشکیلات هوائی آلمانی‌ها مشتمل بسه منطقه یازدهم نیروی هوائی لشکری می باشد که مرکب از دسته های‌دفاع ضد هوائی (یعنی یك‌واحد از لشکر هیجدهم ضد هوائی) و دسته های‌بمب افکن و دسته های شکاری و هواپیما های جنگی‌و دسته‌های اکتشافی‌هستند. مدار یازدهم نیروی هوائی لشکری دارای مراکزی نظیر مرکزستادارتش هوائی در هنگام جنگ‌می‌باشد.

نیروهای مسلح آلمانی در منطقه اشغالی انگلیس دارای نیروهای‌ارتباطی (متجاوز از پنج هنگ) و دسته های تانك و یك‌رشته وسیعی پیمارستانهای لشکری (متجاوز از بیست هزارتخت‌خواب) میباشد.

همچنین در منطقه‌متصرفی‌انگلیس نیروهای دریائی آلمانی‌هستند که‌اکنون به اسم اداره مبارزه بامین نامیده می‌شوند.

این‌اداره آلمانی هم دارای‌مرکز ستاد و لشگرهای کشتی‌می‌باشد.

علاوه بر این تنها در ایالت هانز ویك هوشتاین بیش‌از یك ملیون‌افسر و سرباز آلمانی یافت میشود که‌اسیر جنگی بشمار نرفته و برنامه فراگرفتن تعلیمات انتظامی را دنبال میکنند.

در منطقه اشغال انگلیس دو ها دوش نیروی مسلح آلمان واحد های نظامی کشور های‌دست‌نشانده او وجوددارند که با قوای آلمان درجنگ بر علیه‌ملل متفق شرکت جسته اند.

بدین ترتیب در منطقه اشغال انگلستان چند واحد مجارستانی که دارای دوازده هزار نفر سرباز منظم مسلح بشکل هنگها و گردانها وستاد نیرو با فرماندهان مجارستانی یافت می شود.

علاوه براین فعلا یك هنگ‌احتیاط استونی بالغ بر بیش از ۳۲۰۰ نفر و واحدهای لیتوانی و لتونی‌بالغ بربیست هزار نفر در آن منطقه وجود دارد که در ارتش آلمان بر علیه ملل متفق پیکار کرده اند.

تمام‌واحدهای فوق‌الذکر خواربار و مهمات خویش را ازادارهٔ‌نظامی انگلیس دریافت میدارند و کارگزینی این واحدها و سازمان وادارات ستاد نیروی آنها دارای علائم و نشانهای خود میباشند افراد هر درجه برنامه تعلیمات نظامی را فرا میگیرند و مساعده و مرخصی‌و مواجب بدانهاداده میشود. یادداشت شوروی در پایان چنین اشعار میدارد.

«بنا بر این چنین بنظرمی رسد که ابقای نیروی زمینی و هوائی و دریائی آلمان و هم چنین ابقای سازمانهای دولت های دست‌نشانده‌وی‌باتصمیمات انجمن برلن و اعلامیه عکست آلمان مغایرت دارد.»

نکات برجسته

نطق آقای صادقی در مجلس

بنده همان طور که آنجا عرض کردم (طباطبائی — آقا همه مطالبتان را بگوئید) همه مطالب را میگویم‌که مطالبی که متکی باشد بفرض شخصی مطالبی که باز کند مطلب را نه مطالبی که پیچیده تر بکند‌مطلب‌را.

نایب رئیس — خواهش میکنم در موقعی که ناطق صحبت میکند بهت الاتنین صحبت نکنید که‌باعث اختلال مجلس میشود.

صادقی — من مطالبی را عرض می کنم ولی‌نه صورتی که مجلس‌را بیشتر متشنج بکند و باین ترتیب در آورد بنده یك مردی هستم که زندگانیم بر همه روشن ومسلم بوده است و برخلاف آنچه که بعضی ها تصور میکنند بنده از هیچ دلی واز هیچ زبانی غیر از دل دل وزبان خودم صحبت نمیکنم.

ایرانی بااین بدبختی و با این گرفتاری که‌الان دارد سیصدسال است که‌دارد، ایرانی نان ندارد، زندگانی ندارد؛ غذا ندارد، دوا ندارد، لباس ندارد، اگر شما تصور کنید که تمام ایران عبارت ازهمین تهران و کرج و شمیران وحضرت عبدالعظیم است‌اشتباه در همین جا است، شما که نرفتید در دهات ندیدید اهالی س را این حرفهائی را که نسبت بآن هااینجا میزنید‌بگوش آنها نمیرسد، تمام این رضعیانی را که امروز در آذربایجان پیش آمده‌معنی است که بدست خودما استعداد آن فراهم شده برای آن تخم هائی است که آن روز درش پاشیده شده است آنجا بروید ببینید (حاذقی — خوب العبدالله که حزب دمکرات‌هم داریم) خود آقایان میدانید که در یك جلسه خصوصی یکی از دوستان و رفقای ما حتی گریه وناله کرد برای این که گفت ما باید ازلانه و آشیانه‌خودمان دفاع کنیم؟ تصدیق‌میکنیم که ماباید از لانه و آشیانه خودمان‌دفاع کنیم ولی‌ازپانزده میلیون جمعیت این کشور چهارده میلیون و نهصد و نه هزار نفوس آن آشیانه ولانه ندارد. شما بروید همین الان در جنوب تهران به سنجه جنوب تهران را ساکنین آنجا نه لانه دارند ونه آشیانه (صحیح‌است) مربوط باین استکه شما وقتی که‌دریك اطاقی نشسته‌اید گرما ندارید راحتی ندارید، زیر باران هستید، بهیچوجه انتظار نداشته باشید بقدریکه آقای جمال امامی بلانه و آشیانه خودهاف علاقه دارند علاقمند باشند آقا وضعیتی که امروز در کشورما پیش‌آمده است این تازگی ندارد، سیاستی که امروز بادست بنده وآقایان اداره میشود این سیاستی است که سیصد سال است در کشورما جاری است، این سیاستی‌است که شاه عباس ونادر شاه وسعید ها و ناصر الدین شاه و حتی پهلوی کرفتار آن بود، بعضی ازاشخاص بودند شستند در اطاق وزحمت آن را قبول کردند تفکر کردند برای حل این مسائل غامض ولی ما اینقدر زحمت بخودمان ندادیم که بنشینیم وتفکر بکنیم واین مسائلی را که امروز پیش آمده است حل کنیم البته بنده لازم نیست این را بگویم همانقدر که از اوضاع امروزه آذربایجان آقایان تاثر دارند دیرابر بنده تاثر دارم البته انتظار نیست که یك کسی که دستش بآتش و بخاری باشد دیگری باپشود اینجا از طبایع، از خواص، از مضرات آتش صحبت بکند و باو تلقین بکند که او نسوخته است ولی بنده این مطلب راعرض می کنم‌این‌مسائلی که‌امروز درآذربایجان پیش آمده است و اگر این وضع را ادامه بدهیم درجا های دیگر هم پیش خواهد آمد و این عمل نتیجه مقدماتی است که‌ما خودمان پیش آوردیم یعنی یك نفر پس از آنکه صغری و کبری یك مسئله را طرح کرد ازنتیجه آن نباید احتراز کند درصورتی که‌آقایان بنده را متهم میکنند باینکه چرارفتی درقلیت چرامخالفت کردی‌باحکومت صدر من میدانم و خدای من دانسته و فهمیده برای اینکه‌عرض‌میدادم‌تم‌حکومت صدر را برای این کشور مخالفت می کردم (صحیح است) نه‌طمع وغرضی در بودن آن داشتم و نه در نبودن او من چیزی عاید شد. روزی که من اینجا موافق بودم باطناً با استانداری آقای فرخ آذربایجان والله بنده نگفتم برای اینکه گفته نشود که‌اگرآقای فرخ میرفت بآذربایجان ممکن بود تقدیس و ازبوات و گنجه را هم جزو ایران میکرد، صادقی مخالفت کرد و نشد، من میدانستم روا نبود. آنوقت در تمام کشور ایران آیا یکنفر مثل فرخ بود که‌برای استانداری آذربایجان برود، این ازدو حال خارج نیست. وقتی نه شخصی یا یك کشوری یکنفر طرف‌دارد یاباید آنقدرزور داشته‌باشد که‌پای‌خودش را بگذارد بحلق سریف وتفکرهم نکندبااینکه آنقدرفهم‌تفکر، تعقل‌ودیانت داشته‌تاشدوراه کارخودش را پیدا کند (صحیح است) هیچ‌معنی نبود ماازاینجا تمام ماموریتی را که بآذربایجان میروند از یك حزب معین مامورمیکنیم باعث‌رسیدن دولتی بفرستیم این را آقایانی که خارج‌ازآذربایجان هستند نمیدانند — بنده میدانم میشناسم این اشخاص را که از کجا آمده‌اند و با کجا ملاقات کردند. بکجارفتند تا امروزه آذربایجان را تکرار میکنم. نتیجه مقدماتی است که‌ما خودمان با دست خودمان فراهم کردیم (صحیح است) (یکنفر از نمایندگان — آن حزب کی بود؟)

(سیدضیاء الدین — بفرمائید اسامی آن اشخاصی که از طرف آن حزب رفتند).

آقای محتشمی فرماندار تهران (سید ضیاء الدین — ایشان عضو کدام حزب هستند؟) (دکتر کشاورز — وکیل حق استیضاح از وکیل ندارد) (جمال امامی — بفرمائید ماهم بدانیم)

نایب رئیس — آقای جمال امامی جنابعالی‌رعایت نظم‌مجلس‌را بفرمائید بنده بشما اخطار میکنم.

جمال امامی.چه کردم آقا؟

نایب رئیس — صحبت میکنید‌آقا باعث اختلال مجلس میشوید اینطور که نمیشود‌شما آقای‌صادقی‌مطالبتان‌رابفرمائید ورعایت همکار های‌خودتان راهم‌بکنید آنچه که میل دارید بفرمائید بارعایت آن چیزی که درصحبت یك‌ناطق باید رعایت بکنند.

هاشمی — علت حریق گفتن جلو گیری ازحریق نمیکند.

صادقی — بنده از روز اول جزو آن اشخاصی بودم که هر عملی در این مملکت می‌شود از نظر موافقت بامتفقین وهمکاری با آنها یا از نظر اختلاف باآنها باید بنام‌خود و ایرانی باشد (صحیح‌است)

واین مسلم وبدون تردید پیش‌از آن پیشرفت میکرد تااینکه‌ما مسائل را بطوری پیچیده بکنیم و به طوری توی‌هم بریزیم که اگر این‌عمل واقعا و باطناً بستگی بجانب دیگری نداشت ظاهراً عمل‌راطوری نشان‌بدهد که این عمل کرد خودما است‌متاسفانه تکرارمیکنم که این عمل‌نشد ونخواهد شد چرا؟ برای اینکه اشخاصی پیدا شدند همانطور که آقای هاشمی گفتند بنده تکرار میکنم اشخاصی پیدا شدند خودشان را بسته بجا هائی که غیر از مقامات ایرانی و غیر از وطن پرستی بود.

(محمد طباطبائی- اسم ببرید) هم بنده همه‌را میشناسم هم شما و هم همه عالم، ما اگر انتظار داریم در کشور های بیگانه مخصوصا در ملك فرانسه یا درملت امریکا نسبت بمایك احساسات مساعدی پیدا شود وهمین طورهم هست ما نباید غفلت بکنیم که آنها بتمام کنه امور و تمام جریانات جریانی که در کشور ایران امروز گردش دارد واقفند میدانستند که این‌مسائل از کجا ناشی شده‌است.

بقیه‌دارد

خلاصه خبرهای جهان

مسئول واقعی حریق رایشتاگ گورینگ بوده‌است- شش حزب مهم ایتالیا درباره پست های وزارتی مهم توافق نظر حاصل کرده‌اند - نواحی ویران شوروی آباد میشود- انگلستان متهم به پیش گرفتن سیاست مستعمراتی و ضد آزادی است - خلیفه ارامنه الحاق نواحی ارمنی نشین ترکیه را بشوروی میخواهد- کمونیست‌های ژاپن خلع امپراتور و اعلان جمهوری رامیخواهند- در استرالیا اعتصاب شروع شده است

گورینگ و حریق رایشتاگ

پاریس - از مدارک و اسنادی که در دادرسی نورنبر در دسترس قضات قرار داده‌شد. چنین برمیآید که مسئول واقعی حریق رایشتاگ که‌در ۲۷ فوریه ۱۹۳۳ اتفاق افتاد گورینگ میباشد.

گورینگ مدتی قبل از واقعه حریق سیاهه‌ای از سوسیال دموکراتها و یک صورتی هم از کمونیست ها تهیه کرده بود تا بتواند مسئولیت این جنایت‌را بگردن آنان بیاندازد. بعلاوه گورینگ قصد خود را از رئیس آتش نشانان برلن مخفی داشته بود پس ازحریق یک نفر هلندی بنام وان‌درلوب بعنوان مقصر فرضی دستگیر گردید. نه‌ماه بعد در ماه دسامبر ۱۹۳۳ نامبرده در اثر گواهی‌های دروغ عده‌ای‌منجمله خود گورینگ محکوم شده و اعدام گردید

دربارهٔ کابینه ایتالیا

رم - السیدو گاسپری به شاهزاده امبرتوناپ‌ا سلطنه ایتالیااظهار داشت که وی خواهد توانست دولت جدید را تشکیل‌دهد زیراشش حزب مهم ایتالیا درباره تقسیم پست‌های وزارتی‌مهم سازش حاصل کرده‌اند. همینکه لیبرالها پذیرفتند که پست وزارت کشور بیکنفر سوسیالیست‌واگذار شود سازش حاصل شد.

عمران نواحی ویران درشوروی

مینسک - بقرار اظهار خبرگزاری شوروی در یازده شهر روسیه سفید اعضای اداره معماری زیر نظر شورای کمیسرهای جمهوری‌روسیه‌سفید بیازرسی‌عمارات باستانی که بدست اشغالگران آلمانی‌ویران کردید پرداختند پیش از پنجاه بنای تاریخی تاکنون مرمت شده و باختیار دولت گذاشته‌شده.

بدین ترتیب کلیساهای موزیلف و پولوتسک که از قرن یازدهم به یادگار مانده‌در اختیار دولت گذاشته شدند.

در هشتاد وپنج شهر روسیه عمران عمارات ویران همچنان ادامه‌دارد در همین حال اقدامات شایان توجهی در راه ساختمان عمارات وسیع در جریانست.

نظر مسکودرباره سیاست مستعمراتی انگلیس

مسکو- روزنامه پراودا خبری را که خبرگزاری شوروی منتشر ساخته‌درج نموده است خبر مزبور مقاله ایست که روزنامه «هندوستان‌نیوز» در پیرامون سیاست مستعمراتی بریتانیا نگاشته است.

این روزنامه چنین میگوید که دولت انگلیس در راه از میان‌بردن پایداری آنانیها کوشش فراوان مبذول میدارد و سعی میکند که ضربت جانکاهی بر پیکر آن جمهوری وارد سازد.

برای‌انجام این منظور به بهانه عملیات خلع سلاح قوای ژاپن‌وتحت عنوان خلع سلاح آنان محرمانه هواخواهان فرانسه رابهندوچین وارد میکند همین روزنامه میگوید که در پس پرده خلع سلاح فرانسویان در هندوچین و هندیها در هند هلند دوباره مستقر میشوند و این اقدامات برای آنستکه دولتهای فوق‌الذکر به اتحادیه باختری به پیوندند.

تشریح سیاست کنونی انگلستان همانست که در فوق ذکر شد.

مقاله اضافه میکند که احزاب دست چپ فرانسه و حزب کارگر انگلستان باید روزی بدین حقیقت اعتراف کنند که سیاست ارتجاعی باید آنها را بارتجاع داخلی رهبری کند و یا آنکه قوای حقوی داخلی باید سیاست خارجی صحیحی پیشه خود سازند.

خبرگزاری شوروی مقاله این روزنامه‌را تفسیر میکند گردیدنیست که این مقاله بعنوان سند در روزنامه پراودا منتشر شد زیرا نظر دولت شوروی که هیچگاه آنرا مستور نداشته است به نهضت‌های ملی هندوچین و اندونزی با خوشبینی بنگرد.

خلیفه‌ارامنه ونواحی ارمنی نشین ترکیه

مسکو - (گرگیوس) چهارم خلیفه ارامنه ازسران سه‌دولت‌معظم استالین وترومن واتلی تقاضانموده است که اراضی که ترکیه جبراً تصاحب نموده‌است بملت ارمنی که درارمنستان شوروی موطن‌اصلی گردآمده ومالک حله آن میباشند مسترد گردد

مشار الیه اعلام داشته‌است که ازسران سه‌دولت تقاضانموده است که این ناعدالتی بزرگ تاریخی که نسبت بملت ارمنی که مدتها است زندگانی مشقت باری‌دارد رواگردیده خاتمه یابد وضمنا اظهار داشت که بازگشت‌این اراضی به‌مالکین حقیقی‌آن ارمنی‌ها را قادر خواهد ساخت که در خاندان واحدی زیست‌نموده ومساعی خودرا برای توسعه‌فرهنگ ملی خود بکاربرند

روبتر اضافه میکند که مهمترین اراضی مورد بحث اراضی کارس و اردهان‌وارتوانمیباشد. پس‌ازقرارداد سور مورخ‌سال ۱۹۲۰ که استقلال جمهوری ارمنستان مورد شناسائی واقع گردیده ترکها به ارمنستان حمله‌ور گردیده وکارس را اشغال نموده‌اند ودرتعقیب آن‌قرارداد صلحی‌میان‌ارمنستان وترکیه منعقد گردیده

•••

گوناگون

دهلی- خبرگزاری پارس - رادیو دهلی اطلاع میدهد که حزب کمونیست ژاپن اعلامیه‌ای انتشار داده ودرآن خلع امپراتوراعلان‌جمهوری را خواستار شده است.

•••

لندن - خبرگزاری پارس - رادیوی انگلیس اطلاع میدهد که از ۶۰۳۰۰۰ تن انتخاب کنندگان البانی چهار پنجم آنان در انتخابات مجلس موسسان شرکت‌جستند.

چنین دموکراسی که طرفدار استقرار جمهوریت میباشد درراس سیاهه انتخاباتی قرارگرفته‌است

•••

بیروت-خبرگزاری پارس- مشکلات جدید غیرمنتظره‌ای درمذاکرات مالی انگلستان وامریکا بروز کرده است. معذلک تقریبا قطعی است که در ماه آوریه آینده نمایندهٔ دولت امریکا یک‌انجمن بازرگانی بین‌المللی تشکیل خواهد شد.

درباره مذاکرات انگلیس وامریکا ممکن است که دولت امریکا با اعطای اعتباری بمبلغ ۴ تا ۳ میلیارد لیره برای مدت پنجاه‌سال بدولت انگلیس موافقت کند.

•••

بوداپست- خبرگزاری پارس- نظر باوضاع وخامت بار کشور از لحاظ خواربار نخست‌وزیر مجارستان زولتای تیلدیت ازمجلس درخواست کرده که برای مدت سه‌ماه بوی اختیارات تام اعطا کنند تابتواند بوسیله‌لوایح قانونی دولت اقدامات شدیدی اتخاذ کند.

•••

ریودوژانیرو - رویتر - تا نیم شب دیروز نتیجه انتخابات ریاست جمهوری بقرار زیر بود:

(ژتریکوگاس‌یاروترا) از حزب سوسیال دمکرات ۳۷۰۱۴ رای - (فدوآردوگوتر) از اتحادیه ملی دمکرات ۳۲ هزار و ۳۱۴ رای- (فیاوزا) از حزب کمونیست ۱۹ هزارو ۶۷ رای

•••

سیدنی رویتر - کارگران کانها تصمیم گرفته‌اند که امروز در معادن نوول کال جنوبی که دولت محصول ذغال استرالیارا تولیدمینماید اعتصاب نمایند.

اضافه براین ملوانان کشتیهای تجارتی کلیه بنادر استرالیا تصمیم گرفته‌اند که من بعداز کارکردن درکشتی هائیکه حامل ذغال وفولادمیباشد امتناع ورزند بیم آن میرود که بر اثر این تصمیمات ترن‌ها و تراموای ها اجباراً متوقف گردیده وتولید گاز وقوه الکتریک قطع گردد.

این تصمیمات بمنظور کمک به‌کارگران فولاد که ازیک‌ماه‌پیش باین طرف اعتصاب نموده‌اند اتخاذ گردیده است

اخبار کشور

امور وزارت بازرگانی و پیشه‌وهنر

طبق ابلاغ آقای نخست وزیر آقای دکتر شیخ با حفظ سمت‌معاونت مسئولیت امور وزارت بازرگانی و پیشه‌وهنر را تا تعیین وزیر بعهده‌دارند و نسبت بامور بنگاه‌امور صنعتی‌مطابق اختیاراتی که وزیر پیشه وهنر داشته تصمیم خواهند گرفت.

جوانان تورینگ کلوب‌فرانسه‌بایران می‌آیند

یک گروه از جوانان فرانسوی بنام تورینگ کلوب قصد دارند سیاحتی بآسیا کرده که از ۰ ایران لیزهبرو خواهند کرد و از دولت ایران تقاضا نموده‌اند که نقشه و اطلاعات‌لازمه‌در باره راهها و وسائل نقلیه در اختیار آنان بگذارند.

وزارت‌امورخارجه با نظروزارت راه اطلاعات لازمه را در اختیار کلوب مذکور گذاشته و در آتیه نزدیکی جوانان تورینگ کلوب فرانسه از راه ترکیه، مرز ایران ر پس از طی شهر- های تبر ز - میانه - قزوین‌وارد‌تهران و سپس‌بااز‌راه‌مشهدویا از راه‌اصفهان و کرمان به زاهدان‌حرکت نموده واز آنجا به لاهور مسافرت خود راتعقیب مینمایند.

رسیدگی باوضاع اداره جیره‌بندی

چون وزارت دارائی ادارات کل پخش جیره‌بندی و خرید را منحل کرده طبق دستور وزارتخانه مذکوره‌برای نظارت‌در انحلال‌جیره‌بندی ومشارکت درمنحل نمودن‌تشکیلات اداره‌کل‌خرید وانحلال‌اداره کل پخش‌و تجدیدسازمان اداره کل قندوشکر و چای که برخی از دوائر ادارات منحله باید ضمیمه‌آن شود اشخاصی انتخاب گردیده‌اند

آگهی برای اجاره محل

برای محل زایشگاه تهران احتیاج بساختمانی مطابق مشخصات زیر می‌باشد

۱ - محل‌ساختمان دریکی از خیابانهای جنوب شهر شاهپور - امیریه- خیام - مولوی یا در خیابان های فرعی‌آن باشد.

۲ - ساختمان دارای ده اطاق بزرگ که اقلا ۶×۵ متر باشد و ده اطاق متوسط کوچک باشد.

۳ - آشپز خانه و انبار جهت خواربار وغیره داشته باشد.

۴ - دارای لوله کشی و آب وبرق باشد.

۵ - ساختمان طوری باشد که مجاور شاهراه‌قرار داشته باشدکه وسائل نقلیه بتواندوارد وخارج‌شود.

۶ - ساختمان‌باید دارای فضای‌مناسب باغچه و یا مشجر حداقل ۵۰۰ متر باشد.

مالکین‌می توانند در صورتیکه ساختمان آنها دارای مشخصات زیر باشد باین اداره واقع در میدان بهارستان قسمت‌بازرسی مراجعه نمایند.

۲۰۱ — دم‌ب — ش‌م-۱۰

آگهی مناقصه شماره ۱۰۵۷۶ ن

۲۴/۹/۱۲

شهربانی کل کشور سی توپ پوستین بمناقصه خریداری مینماید داوطلبان شرکت در این مناقصه می توانند با پرداخت ۱۰۰۰ ریال سپرده نقدی بصندوق اداره کارپردازی پیشنهادهای خود را تا ساعت ۹ صبح روز ۲۴/۹/۲۱ بدفتر اداره مزبور تسلیم نمایند.

پیشنهادهای واصله در ساعت ۱۰ صبح همانروز در کمیسیون انواع باز و قرائت خواهد شد. حضور پیشنهاد دهندگان در کمیسیون آزادو کمیسیون آزادو کمیسیون در رد و یا قبول هر یک‌از پیشنهادهامختار است. به‌پیشنهاد های فاقد رسیده سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

اداره‌کارپردازی شهربانی کل کشور

دم‌ب — ش‌م-۸

تسلیت

فوت جوان ناکام عباس ماکوئی را بعموم بازماندگان آن مرحوم خصوصاً آقای عزیز ماکوئی با قلبی شکسته تسلیت گفته‌و بقای آن خانواده را از خداوند متعال خواستاریم.

محمد سرابی

اراک تیول خاکباز

چند شب قبل دریکجا مهمان بودم چون معمولا شب‌نشینیهای ما بایاپکر ویاباصحبتهای سیاسی‌میگذرد حدیث که عاشق‌دلباخته آس‌بازی بودند مشغول کشیدن ورق وباز کردن چهار آس و چهار شاه گشتند منهم در گوشه با صاحب خانه که ازلحاظ مهمان نوازی بازی نمیکرد در اطراف سیاست روز صحبت میکردیم جوانی بزرگ گویا از اقوام صاحب‌خانه بود بگرفتن‌اخبار رادیو مشغول‌بود صحبت‌ما در اطراف نغمه‌های آذربایجان وهو سیاست‌متضاد انگلیس و روس ومنطقه نفوذ هریک ازاینها بقول دست‌راستیها سیر میکرد جوان مزبور که‌طبق ضرب‌المثل‌معروف عوامی سرش بوی قرمه سبزی میداد با اظهار امتنان ازطرف بازی کنان که صدای رادیو که حواس آنها را در موقع باوف زدن پرت میکرد رادیو را خاموش وبما پیوست ...

دخالت‌رفیق جوان جدید که‌بگفته امروزیهایکی از روشن فکران بود برحرارت صحبتهای ما افزود وچون در مقابل ایرادات صاحب‌خانه نسبت برفتار حزب دموکرات درآذربایجان وبگفتار روزنامهای سیدضیاء دخالت هووریها درامورداخلی‌ایران‌احساسات اورا بر انگیخته بود چنان بادلائل مسجلی که ذکرآن فعلا برای مقاله ما بی تناسب است صاحب‌خانه را مجبور بقبول گفته‌های‌خودمیکرد که‌فقط‌دیدن بشره او بیچارگی اورا در بحث امور سیاسی هویدا و اعتراضش را باشتباه فکری خویش ظاهرمیساخت

این‌جوان که تازه ازیک مسافرت جنوب برمیگشت وچندی درارک برای امورو کارهای شخصی متوقف گردیده بود چنین نتیجه میگرفت که‌هر پیش آمدی‌امروزه فقط دراثر سوء سیاست مرتجعانه اولیاءدولت خودمان است و محرک اصلی مامورین دولت وکسانی که ازاین سیاست تنگین و فنا کن ایران چه در مجلس ویا درهیئت‌وزراء تقویت میکنند میباشد

فعلا نگارنده شمه‌ای ازصحبتهای اورا که درشهر اراک میگذرد نقل مینماید.

شهراراک یعنی شهرزور وقلدری یعنی شهریکه مبلغ اموال مردم را بزور برده وخورده وکسی حق‌حرف زدن را ندارد. یعنی شهریکه‌فرمان دار آن یک‌کاکباز بپشتیبانی سید ضیاء بایکشت اقوام‌خود هستی مردم را دستخوش‌هوا وهوس مینماید. یعنی شهریکه فرماندار آن ازدزدان‌پشتیبانی کرده و برای سرکوبی بیچارگانیکه میخواهند ازحقوق حقه‌خود دفاع کنند بالفظ اینجا جنوب‌است، این جا منطقه انگلیسها است شمارا تبعیدمیکنم ودر پرتوسایه (شرکت اکسیت وخاکباز) فرمانروائی میکند. یعنی شهریکه بازپرس دیوان کیفر که نماینده قانون است و برای رسیدگی پش از سالها انتظار اهالی به پرونده‌های اختلاس یک‌ملیون قندوشکر وقماش دراثرادای وظیفه وتوقیف نمودن چندنفردزد که ازبستگان خاکباز میباشند و از جمله رسیدگی بدوسیه اختلاسی شخص‌فرمان دار مشغول‌بود بیچاره‌را درادارهٔ‌فرمان داری حاضر و درمقابل عده(روسا کدبانی) که‌نفر یادست‌بسینه نشسته‌بودند بالفظ مادر ... وتهدید بمرک‌از... خوردن خود پشیمانش کرده وشبانه به طهران فراری میشود. شهریکه اول اراده خاکباز ودوم خدا... شهریکه تمام روسا و قوانین برای نوکری و ریاست یک فامیل بر دیگران درست شده است شهریکه روح شاه مرحوم بهلوی شب‌و روز بدیده حسرت برآن مینگرد...

این بود یک حکایت کوچک از یک شهرستان ازدیک پایتخت که‌چوان ما نقل میکرد.

حال باید دید نام حکومت دموکراسی که اولیاء امور بوضعیت فعلی ایران نهاده اند و وکلاء تمام ملی ما ! ! در هرجلسه‌مجلس دراطراف آن ساعت ها نطق‌میکنند این است !

حال باید دید ما در قرن بیستم زندگی میکنیم یا در زمان سرفها و بربریت؟.

حال باید دید که قربانی شدن میلیونها نفر که برای بدست‌آوردن‌حق حاکمیت و حقوق حقه‌خود در میدانهای کارزار جان سپرده اند اینست که در مملکتی باز اصول ملوک‌طوایفی بر قرار بماند؟

حال باید دید ملتی در این عصر جدید‌بااین وضعیت‌طاقت فرسا میتواند تحمل این ناسزائیها بنماید و آب از آب تکان نخورد؟.

حال باید دید که این تحریکات‌را شورویها و یا امثال آن مینماید و یا اینکه لاقیدی‌ونداشتن حس نوع‌پرستی و اهمیت ندادن بمسائل کشوری‌اولیاء دولت است؟

بله‌مسببین اصلی‌و محرکین کسانی هستند که کوچکترین علاقه باین آب و خاک نداشته و ندارند و در مکتب دیکتاتوری پرورش یافته و امروزه نیز اغلب‌مجری قانون و مشاغل مهمی را برای خود کسب کرده و باعمال پلید خودلیست‌بملت ایران ادامه‌میدهند بلی اینها هستند مسببین بدبختی وسیاه روزی‌ملت ستم کش‌و زجردیده ایران، اینهاهستند محرکین هر پیش آمد‌شومی دراین مملکت. اینها هستند‌پارازیت های اجتماعی که تنها دفع آفت آنها میتواند کشور را از این سیه روزی نجات بخشد.

ما امیدواریم از آقای حکیمی که بدستیاری عده میهن پرست هر ابنت عناصر فاسد را نموده و کما فی‌السابق نام نیک‌خودرا در این مملکت محفوظ و بیادگار گذارد.

آگهی مزایده شماره ۳

هیئت عامله کارخانهای شیمیائی مقدار ۱۰ تن پنبه لینتر طبق نمونه و مشخصات موجوده در کارپردازی این هیئت که بمراجعه کنندگان مجانا داده میشود از طریق مزایده بفروش میرساند پیشنهاد دهندگان بایستی پیشنهاد خود را تاساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۶/۹/۲۴ بدفتر این‌هیئت واقع در چهار راه مخبرالدوله تسلیم ورسید دریافت دارند.

بنگاه امور صنعتی - هیئت عامله کارخانهای شیمیائی

ش م — ۴ — ۲ — ۳

آگهی خرید گونی سیمانی مستعمل

کارخانه سیمان گونیهای‌سیمانی مستعمل بدون‌عیب‌را به‌بهاء هرعدد‌تحویل کارخانه شش ریال خریداری مینماید فروشندگان میتوانند گونیها را به انبار کارخانه تحویل داد و بهاءآنهارا فورا از حسابداری کارخانه‌دریافت دارند و چون برای سال آتیه کارخانه کیسه‌های کاغذی خریداری مینماید گونیهای سیمانی دیگر مورد استفاده کارخانه نخواهد بود.

بنگاه امور صنعتی — هیئت عامله کارخانهای مواد معدنی

ش ۰ م — ۵ — ۳

دفتر مرکزی روزنامه خاور زمین یومیه

اول خیابان لاله‌زار- جنب بازرگانی شفق تلفن ۵۸۳۳ می‌باشد و درتمام ساعات دایر واز ارباب رجوع پذیرائی‌میکند.

۳ — ۴

رهبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
بیرج اسکندری

تکشماره دو ریال

بهای اشتراک
سالیانه ۴۰۰ ریال
ششماهه « ۲۰۰
سه ماهه « ۱۰۰

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

کارگران . دهقانان . روشنفکران
پیشه‌وران . بر علیه ارتجاع متحد شوید

بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران
مبارزه کنید

آدرس موقتی : چاپخانه شعله‌ور کوچه تماشاخانه پشت اپرا

۳۰ ذیحجه ۱۳۶۴ — تلفن شماره ۴۳۱۱ — ۶ دسامبر ۱۹۴۵

پل پیروزی

بقیه از صفحه اول

پل پیروزی!

آقای دکتر شفق ضمن نامه ای که راجع باینجمن سران سه دولت در تهران تقدیم مجلس نمودند چنین نوشته اند :

« بسه آرزوی پیروزی نهائی متفقین و از بین رفتن هرگونه تجاوز و جایگیرشدن عدالت و امنیت در جهان آنچه مقدورمان بود فداکاری کردیم »

کاملا صحیح است آقای دکتر :

ما برای « جایگیر شدن عدالت و امنیت در جهان » و در درجه اول در ایران خودمان خیلی فداکاری کردیم — عدالتی که در تمام مدت عمر هیچگاه جز نامی از آن برای ما وجود نداشته و فقدان آن درمحیط زندگانی اجتماعی ما سرزمین ایران را مبدل به بهشت جنایتکاران و خیانت پیشگان چهار کرده و امنیتی که برای ملت ایران جز اختنق جز سکوت مرگبار در زیر ضربات تازیانه صاحبان قدرت و جز تسلیم عاجزانه بتمام مظالم و فجایع دستگاه استبداد نظامی رضا خان که تمایلات استعمارجهان و محافل ارتجاعی بین المللی ملت تحمیل کرده متضمن مفهوم دیگری نبوده است !

فداکاری و مجاهدت عظیمی که از طرف ملت اسیر ایران در این راه مبذول گردید فوق تصور و توانائی ما است ، بیجهت نیست که ایران را پل پیروزی نام نهاده اند . ولی شما و من که هر دو از افرادایین کشورهستیم و هر دو بدون شك خودرا باین کشور و سرنوشتی که میهن ما درجلودارد علاقمند میدانیم باید در داخله کشور خودمان بحساب این فداکاری رسیدگی نمائیم .

باید موضوع را حلاجی کنیم و برای اینکه کارتحلیل قضیه بر ما آسان باشد من از شما که همیشه مورد احترامم بوده‌اید پرسشی دارم .

یك سئوال

آقای دکتر شفق : در ایران کی‌ها و چه دسته از مردم بودند که با فداکاری های بی نظیر خود کشور ما را بانجام پل پیروزی در این جنگ عظیم که برای جامعه‌های دنیا چنین حیات و حیاتی داشت نایل ساختند ؟ راستی نام دسته ؟

آیا آن عده متزلیانی که نام خود را گذرنیت گذاشته و امروز مرام اختیارا دولت و مجلس را در دست گرفته ؛ سراسر ایران را تیول خود قرار داده و مشروطیت در ایران بکلی تعطیل کرده‌اند و تمام بدبختی های ما زیر سر آنها است ؟ آنها که امروز باتمام قوا سعی دارند وضع نامطلوب و نکبت بار کنونی را بهر قیمت شده حفظ نمایند و هر نوع تغییری را در اوضاع کفرمحض میدانند و برای حفظ وقاحت بسا سر انگشت عمال استعمار در ایران برتس وحرکت می آیند ؛ آنها که برای استقلال ایران بچه پاره میکنند ولی درعین حال تمام وسائل را برمی انگیزند تا برای محو آزادی و مشروطیت در ایران بساط برادرکشی راه بیندازند و بطور سر کوبی طرفداران تعدیل اوضاع و زیر نقاب حفظ استقلال ایران حاضرند سرنیزه نیرو های استعماری را با سینه پرداخ و درد ملت ایران آشنا سازند ؛ تجار دهنگری که کاخ سعادت خود را روی جسد مردم گرسنه و عریان استوار ساخته اند ؛

اولیاء امور و کار گردانانی که از برکت بندو بستهای خود با مقامات خارجی و داخلی ثروت خویش را بمیلیونها رسانیدند ؛ طبقه مفتخور و هیئت حاکمه که این جنگ را بهترین آلت اجرای مقاصد پست و نا جوانمردانه خود قرار داده و کار دزدی و یغما و تجاوز را در سراسر مملکت ایران بشیوه حیات و آبروی نود در صد مردم این مملکت باقتضاح کشانیدند ؛ آیا اینها بودند کسانی که برای تضمین فتح وظفر جبهه آزادی در مقابل جبهه زور وستمگری واصول فاشیستی فداکاری کردند؟

اینها که جز تحصیل منافع هنگفت از این جنگ زیانی ندیدند ! اینها که کوچکترین تلفاتی در راه پل پیروزی شدن ایران ندادند ! جنگ که برای میلیونها مردم در هدین سر زمین پیام مرگ وفنا و ماتم و محرومیت و فقر و بیماری داشت برای این طبقات سروش سعادت و نغمه روح پرور فتح و ظفر بود که از پرتو آن تا آنجا که توانستند آخرین قطره خون مردم را مکیدند ؛ بحال شهدای بیشمار حرص و آز خود بقدرخردلی شفقت نیاوردند و بهیچ چیز این مردم اعتنا نکردند !

خارج شوید

خیر : فداکاری های جنگ را بحساب این دسته های راهزن نباید گذاشت ؛

برای پیدا کردن ستونهای استواری که این پل را برسرپا نگاه داشته اند باید از بین این طبقه که ازهر فرصت وهر عنوان برای حفظ منافع و تحکیم موقعیت خود استفاده میکنند خارج شوید : شما متعلق بپائین تیپ و دسته نیستید ؛ از میان آنها بیرون بیائید و نظری به پیرامون خودمان بیندازید تا ملاحظه فرمائید این پل پیروزی را فداکاری چه طبقاتی برسرپا نگاهداشته : بیرون بیائید و بسراغ گروه بی شمار کارگران زحمتکش درهر صنف و رسته بروید تا مشاهده فرمائید بازوان توانای آنها بود که این پل را طرح ریزی کرد وپی افکند ؛ برند گانی آنها در تمام مدتی که جنگ ادامه داشت توجه فرمائید تا ببینید چطور باوجود فقر و گرسنگی ، محرومیت از تمام مزایای حیاتی وحقوق بشری کار کردند ؛ از همه چیز خود گذشتند ؛ از خواب و استراحت ؛ از خورده و خوراك وپوشاك ، از نان شب و مزد روز تا وقتی که توانستند وظیفه سنگین و طاقت فرسای خود را در راه پیروزی حق و آزادی انجام دهند باین امید که خود نیز دراین میان زنجیر اسارت خودرا پاره کنند !

بیرون بیائید و بسراغ توده های وسیع کشاورزان ودهقانان بروید که حاصل آنها از دسترنج خودشان در تمام این مدت ظلم و ستم خداوندان نعمت بود که محصول کارانهارا بتاراج میبردند ؛ این تاراجگران خواه بنام مالك وصاحب ، خواه بنام مامورداراثی و خواربار وامنیه بازاندارم ، درسایه جنگ توانستند نان دهقانان ، قندوچائی و سیگار و قماش آنها را از دستشان بربایند و آنها را عریان و گرسنه در حسرت یك استکان چای باقی بگذارند و خود ملیون ملیون روبهم بیندوزند .

ببینید چطور زنها و بچه های این تیره بختان مانند عائلهٔ هم زنجیران و رفقای نفت آنها یعنی کارگران دراثر سوء تغذیه و گرسنگی شباهت باموات پیدا کرده اند !

بیرون بیائید و بسراغ گروه عظیم کارمندان جزء و قضات و آموزگاران و تیپ اداری شریف و درستکار در هر جای ایران بروید و ببینید فقر و بیماری و محرومیت که مولود جنگ و توجه دسایس غارتگران داخلی ما می باشد آنها را بچه روز نشانده وچگونه زندگی آنها را تا بحد حیوانات تنزل داده است !

اینهارا ببینید و بزحمات ومرارت های بی پایان آنها و صبر و شکیبائی آنها توجه فرمائید که در تمام دوران جنگ با وجود آن زندگی سخت وپر مشقت فقط برای اینکه مبادا کوچك ترین اختلافی در کار جنگ پدید آید رنج بردند ودم برنیاوردند وبفرمائید در آن دقائقی که پشت این طبقات زحمتکش و فداکار زیر بارهای گران از یکطرف و مظالم طبقه حاکمه از طرف دیگر خم شده بود ، در آن لحظاتی که آنها کار میکردند وناظر گرسنگی مرگبار زنها و بچه‌های خود بودند که مثل مرغ سر کنده از بی قوت و غذائی پر پر میزدند ، این آقایان که امروز این الم شنگه رابر پا کرده و داد وطن پرستی میزنند اینها که امروز هم میخواهند با مغلطه کاری وشیادی و دسیسه مزایای صلح وپیروزی را هم مانند برکات منحوس و جهنمی جنگ از دست مردمی که ستون استوار پل پیروزی هستند بربایند و بخود اختصاص دهند ، چطور دنبال بندوبست های خود میدویدند تا بهتر بتوانند مردم را بزانو بکشند !

چگونه دزد های اداری دست به دست دزدان بازاری دادند تا قوت و غذای مردم را بهتر احتکار کنند وبی درد سر تر بازار سیاه را بسه دست گیرند .

متعلق بکدام یك

آقای دکتر شفق : یك مرد سیاسی و اجتماعی باید قبل از هر چیز و قبل از هر کار باین مسائل توجه نموده و مشخص کند که آیا متعلق بکدام یك از این دو طبقه است و مدافع حقوق کدامیك از این دو باید باشد ؛

آیا از اختیارات مطلق یکدسته بی بند وبار و چپاولچی و خیانت پیشه دفاع میکنند یا از حقوق طبقات وسیع مردم محروم و زحمتکش که بنام دهقان ، کارگر ، کارمند ، آموزگار نود درصد مردم این سامان را تشکیل میدهند .

آقای دکتر شفق : شما عدالت و امنیت را برای کدامیك از این دو تیپ میخواهید ؛ ممکن است بفرمائید برای همه ولی این برای همه اگر از نظر هاعرانه و فلسفی زیبا و دلنشین باشد از نظر واقعیت قضایا غیر عملی است وبین منافع ومصالح این دو تیپ را نه شما ونه من ونه هیچ عالم اجتماعی و اقتصادی نمیتواند جمع کند . اجتماع ده‌ین سال محال است

بازهم عمال جور و بیداد

شما توجه میفرمائید آنها که قبل از جنگ ودرزمان جنگ و بعد از جنگ برمسند کامروائی قرار داشته و دارند درباره مردم حاضر بکوچکترین گذشتی از امتیازات بی پایان خود نشدند . میدانید عمال و کارگردانان دستگاه رضاخانی درتمام این مدت با کمال شدت با هر گونه تغییری بمنظور بهبود اوضاع زندگی ستون‌های پل پیروزی جلو گیری کرده ومیکنند .

بعرض شما رسیده است که با چه اجاعتی کلوبهای کارگران را بستند ، احزاب آزادیخواه را در فشار گذاشتند دسته‌دسته کارگر هارا اخراج کردند ، اگر بوبردند کسی دارای افکار آزادی خواهانه است اورا ازکار برکنار نموده بدك سیاه نشانیدند ، ملاحظه فرمودید همانها که در زمان حکومت مطلقه رضاخان ملت ایران را بحالت یك مستعمره مستعمره مفلوك وخیلی بدبخت تر ازهندوستان - درآوردند - درزمان جنگ هم برای ملت شاخ شانه میکشیدند وبعداز جنگ هم سر لیزه های خود را بسینه مردم حواله دادند .

من ازشما میپرسم که آیا تمام آن فداکاری هائی که ملت ایران متحمل شد برای این بودکه بازهم اسیر سرنیزه همین راهزنان وهمین عمال جور وبیداد وهمین دست نشاندگان مسائل استعماری باشد؟ آیا اینست معنی عدل وداد که بازهم دست یغماگران در یغمای هستی مردم بازباشد؟ بازهم درمنجلاب فسادی که بدست نابك این طبقه حاکمه ومستازم برای ما تهیه شده غوطه ور بمانیم . اگر عدالت وامنیتی که فدا کاریهای جنگ برای ملت ایران دربرداشته اینست حاشا ازاین عدل وامن!

اگر بنا است که درازاء اینهمه قربانی که مردم ایران دادند از شرزندان بانان مسلح خود رها شوند و حق حاکمیت این ملت بآن مسترد گردد که می بینیم در جلو چشم شما و من باز هم برای ملت ایران غل و زنجیری را که ساخته و پرداخته دستگاه استعمار است تهیه میکنند .

در اینصورت آیا تکلیف چیست . آیا باید شما نبوغ و استعداد خودرا ومثلا من قلم ناتوان خود را دراختیار این ملت زجرديده در اختیارستونهای پل پیروزی و دراختیار تمام زحمتکشانی که درکارخانه ومعدن واداره ومزرعه جان میکنند و قربانی دسایس هیئت حاکمه خیانت پیشه میشوند بگذاریم و از حقوق آنها دفاع کنیم باشد که دست مسئولین ان فلاکت و ادبار از سر مردم کوتاه شود وعدالت و امنیت واقعی جایگزین رژیم ترور و وحشت و استبداد نظامی بشود ؟ آیا شما و من درپیشگاه ملت ایران جز این وظیفه ای داریم که در حدود توانائی خود بسه حمایت مشروطیت فراموش شده واستقرار آزادی ودموکراسی بر خیزیم وآیا استقلال و عظمت ایران و سر افرازی ایرانیان که هر دومان علاقه داریم جز بوسیله آزادی ملت ایران امکان پذیر است ؟

آری آقای دکتر شفق تنها یك ملت آزاد میتواند استقلال واقعی کشور خود را تضمین کند .

از اصلاحات تدریجی آقای رهنما وزیر قوی الاراده فرهنك !!!

۱ — آقای حمید داوران بریاست فرهنك زنجان منصوب می شوید .

۲ — حمید داوران اداره را بعضو مقدم تحویل دوراً بطهران حرکت کنید .

۳ — آقای حمید داوران بریاست فرهنك قزوین منصوب میشوید .

٤ — آقای حمید داوران بریاست فرهنك زنجان منصوب می شوید .

٥ — آقای حمید داوران بریاست فرهنك قزوین منصوب می شوید .

این پنج ابلاغ در ظرف مدتی کمتر از یکماه صادر شده و اگر میخواهید علت آنرا بدانید بآقایان امام جمعه زنجان — ذوالفقاری - مجید ضیائی - آخوند ملا محمد جواد گاپایگانی — خاکبازعراقی — محمدعلی مجید و ... مراجعه فرمائید زیرا وزارت فرهنك از حقیقت امر بکلی بی اطلاع است !!

باپرونده سازی ...

بقیه از صفحه اول

خود مشارکت دارند» در اینجا با ذکر کلمه «قاطبه» وقید « شرکت در امور معاشی و سیاسی» هیچ یك از اتباع ایران استثنا نشده اند و طبق این اصل تمام افراد اززن گرفته تا مرد ونظامی وغیر نظامی میتوانند درانتخابات و کلیه امور سیاسی شرکت کنند و حق هم همین است زیرا بجز اطفال صغیر و مردمان سفیه و مجنون هر کسی باید در امور سیاسی یعنی مسائل مربوط به تدبیر زندگی خود در یك مملکت دمکراسی شرکت کند همچنین محکومین به جنحه و جنایات و کسانیکه بر ضد دمکراسی قیام میکنند نباید ازین حقوق دمکراسی بهره‌مند شوند اصل منطقی و عقلی دمکراسی همین است و از اینرو من نمیبینم پس از این جنك خونین و قربانی شدن میلیونها نفوس بشری در راه آزادی و دمکراسی کلیه ملل زنده در فرانسه و یوگوسلاوی و مجارستان و اطریش و بلغارستان و حتی آلبانی کوچك زنان را نیز که تاپیش از جنك ازشرکت در انتخابات محروم بودند اکنون اجازه میدهند که از حق طبیعی خود یعنی شرکت در «زندگی» یا سیاست بهره‌مند شوند ولی هیئت حاکمه ایران بجای تعدیل واصلاح قوانین دوره دیکتاتوری که قسمت عمده این کشور را بنام زن و نظامی در ردیف مجانین و مجرمین قرار داده برتشدید حکومت نظامی میافزاید وازاجتماعات آزادیخواهان واحزاب انتشار جراید بیرحمانه ممانعت میکند وازقانونی که در زمان طغیان محمدعلیشاه و مستبدین بمنظور سرکوبی آنان تدوین شده است سوء استفاده میکنند و بنام آن قانون ملیون و آزادیخواهان را مورد شکنجه قرارمیدهند و باپرونده‌سازیهای ناجوانمردانه کارگران و مدیران جراید رازندانی میکنند.

ما از حکومت نظامی و مدیراصلی آن آقای ارفع میپرسیم اگر شما واقعا بنابرادعای خودتان میخواستید قانون حکومت نظامی را اجرا کنید پس چرا فقط باشغال کلوبهای حزب توده واتحادیه کارگران دردوره حکومت صدر اکتفا کردید ؟ چرا فقط ٤٠ روزنامه آزادیخواه را توقیف کردید ؟ چرا افسرانی را که برادر یا منسوب باعضای حزب توده بودند و یا با آنها آشنائی داشتند و یا مظنون بداشتن آشنائی بودند بجرم «مشروطیت» در حزب توده تبعید کردید و برای آنها پرونده‌های دروغی ساختید ؟

آیا این اقدامات شما بر روی این نظریه بود که حزب توده و جبهه آزادی را بطرفداری شوروی متهم میکردید و میخواستید باین عملیات یك مانور سیاسی برای اجرای سیاست یکجانبه دربرابر مردم بدهید و الا چرا آنهمه سرلشکرها وسرتیپ‌هائی را که همه‌روزه باوگاه آقارا میبوسند وبارباب‌ها اظهار خدمتگزاری میکنند تعقیب نمیکنید؟

آیا بعقیده‌شما دخالت درسیاست منحصراست باطرفداری ازکارگرها وطبقات ستمدیده ؟ و بنظرشما هر کس دارای این عقاید باشد مزور وسیاست ؟ اگر این نظریه صحیح است پس خوب بود آقای ارفع که کاسه کرمتر از آش هستند با اربابهای خودشان مذاکره میکردند وآنهارا نصیحت مینمودند که درمملکت خودشان هم در این کلوبها را ببندند زیرا امروز در سراسر دنیا احزاب چپ وراست هردو آزادهستند و آیا سرزمین ایران دارای خصوصیتی است که باید عقاید چپ وجود داشته باشد ؟

ما از آقای ارفع میپرسیم بفرض حزب توده مقصر بود وبرای اعضای آن پرونده‌ها ساخته‌اید اصلا بما جواب دهید پرده‌های کلوب‌های ما و صندوق عایدات اتحادیه کارگران وپتوهای کارگران محروم اصفهان که شبها درآنجا میخوابیدند وسایر اثاثیه کلوب وادارات جراید ظفر ، رهبر ، مردم ودفاتر واسناد فراکسیون پارلمانی ما چه گناهی مرتکب شده بودند که مامورین شما آنهارا بیغما بردند ؟

آقای ارفع چه بدهند این دوساختمان چه جرمی مرتکب شده‌اند که که باید دراختیار قوای ژاندارمری باشند ؟ وباز میپرسیم برای اثاثه و ساختمانهای کلوبها چگونه پرونده‌سازی فرموده‌اید ؟

حالا می رویم پرونده سازی های مامورین دولت در شهرستانها و دوشهائی که برای شوروی ها در شهرستان های شمالی بوسیله بخشدارها و فرماندار ها و سایر مامورین شهربانی و ژاندارمری از زمان وزارت کشور سروری حاصل چدی سیده میساختند ما اطلاع داریم که کلیه مامورین شمالی درزمان وزارت کشور سروری و بعدا در کابینه صدر بوسیله سید ضیاء انتخاب می‌شدند و بآنها دستور داده میشد که هرچه میتوانند راپرتهای دروغی برضد شوروی ها بفرستند . تعیین کاظم سیاح بسمت اداره کل انتظامات هم بهمین منظور بود . برای نمونه خبر جعلی روزنامه عدالت را بشما یاد آوری می‌کنیم که در یك شماره اعلان مجلس سوگواری بخشداری را که یادهای او شوروی‌ها کشته بودند منتشر کرد و مدت ها در روزنامه خود سرمقاله ها نوشت و زاری ها کرد و بعدا معلوم شد بخشدار مزبور زنده و این توجه سرائی تماما تبلیغات ضد شوروی داشته و بدستور دشمنی‌ها و سیدضیاء ها و عمال سیاست یکجانبه بوده است در این‌جا افراد بیطرف در یاد داشت دولت ایران بشوروی و تکذیب جدی آن ازطرف دولت شوروی بر بشرید دچار میشوند ؟ که آیا بعضی از مواد یادداشت دولت ایران ازهمان پرونده سازی ها و اخبار جعلی عمال سیدضیاء و کلنل کاظم سیاح بود وآیا شایسته آقای حکیم الملك بود که با چنین یادداشتی موقعیت خود را کوچك کنند ؛ باری بعقیده ما مشکلات را اعم از داخلی و خارجی فقط با حسن نیت وبیغرضی باید حل کرد پرونده سازی و رجز خوانی های میان تهی و ابراز احساسات دروغی نسبت بمیهن ولی در عین حال با بیگانگان دیگر سر و سر داشتن در دنیای امروز مورد خنده و تمسخر مردم واقع بین است

شرکت چاپ شعله‌ور

تلفن ۴۳۱۱